

## پرسش ۶۴۵: سوالی در مورد آية الكرسي و دليل دشنام به عائشه

السؤال / ٦٤٥ : بسم الله الرحمن الرحيم

أولاً: لديّ سؤالين، وإذا تم الإجابة عليهم بشكل مقنع فسوف أؤمن بأنك المهدي المنتظر.

پرسش ۶۴۵: بسم الله الرحمن الرحيم

أولاً: من دو سؤال دارم، و اگر پاسخ قانع کننده‌ای به آن‌ها داده‌شد، ایمان می‌آورم که شما مهدی منتظر هستی.

السؤال الأول: هو في آية الكرسي، حيث قمت بالزيادة على الآية الكريمة: (وما بينهما وما تحت الثرى .... الخ). وهل تعترف أنّ هذا تحريف للقرآن الكريم وأنّ التحريف يكون إما بالزيادة أو النقصان؟

سؤال اول مربوط به آیت الكرسي است؛ که شما به این آیه‌ی کریم بخشى را اضافه کرده‌ای (و ما بينهما و ما تحت الثرى.... الخ). آیا شما اقرار داری به این که چنین کاری تحریف قرآن کریم است و تحریف یا به زیادت است یا به نقصان؟

والسؤال الثاني: هو السب في سيدتنا عائشة أم المؤمنين رضي الله عنها، وتكفيرها هي وأبو بكر وعثمان وعمر وغيرهم من الصحابة وسبها، وقد برئها الله سبحانه وتعالى في القرآن، والقرآن هو مرجعكم في العقيدة والشريعة التي تتبعونها، فكيف تخالفون ما جاء به الله في كتابه وهو ما يمدكم بالشريعة والديانة التي أنتم عليها؟

وشكراً.

المرسل: أحمد خالد محمود حرحشة - الأردن

سؤال دوم مربوط به سب سیده‌ی ما عایشه امّ المؤمنین و نیز تکفیر او و ابوبکر، عثمان، عمر و دیگر صحابه و دشنام‌گویی به عایشه است و حال آن که خداوند سبحان در قرآن او را مبرا ساخته است. در عقیده و شریعتی که از آن پیروی می‌کنید، قرآن منبع شما است. پس حال چگونه است که با آنچه که خدا در کتابش آورده است، سر مخالفت برداشته‌اید در حالی که قرآن به شریعت و دیانتی که شما بر آن هستید، هدایت نمی‌کند؟  
با تشکر

فرستنده: احمد خالد محمود حرحشه - اردن

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

**الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.**

**السيد أحمد الحسن(ع) لم يزد أو ينقص من القرآن شيئاً، بل هذا ثابت عن أهل البيت(ع) الذي قال عنهم الرسول(ص): (إني تارك فيكم خليفتين كتاب الله حبل ممدود ما بين السماء والأرض - أو ما بين السماء إلى الأرض - وعترتي أهل بيتي، وإنهما لن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض) [239].**

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهدين و سلم تسليماً.

سید احمد الحسن(ع) به قرآن چیزی اضافه نکرده و چیزی از آن کم ننموده است، و این موضوع نزد اهل بیت(ع) ثابت شده است؛ همان اهل بیتی که پیامبر(ص) درباره‌ی آن‌ها فرمود: «من در میان شما چیزی می‌گذارم؛ مادام که شما به این دو دست یازید هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی از آن‌ها بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا رشته‌ای

کشیده شده از آسمان به زمین است و دیگری عترت که اهل بیت من هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند» ([240]).

**فالعتره هم عدل القرآن والقرآن معهم لا يفارقونه ولا يفارقهم، وهذه الآية جاءت عنهم هكذا - أقصد آية الكرسي - وهي قراءة عنهم، كما أنّ هناك قراءات مقبولة عند المسلمين تزيد أو تنقص حروفاً أو كلمات ومع ذلك لم يعترض أحد.**

عترت، همان عدل (همتا) است و قرآن با آنها است؛ نه قرآن آنها را ترک می‌گوید و نه آنها تارک قرآن‌اند. این آیه (آیت الکرسی) به همین صورت از ایشان آمده و این قرائتی است که از آنها اخذ شده است. کما این که قرائت‌هایی وجود دارد که برای مسلمانان پذیرفته شده است در حالی که در این قرائت‌ها، حروف یا کلماتی کم و زیاد می‌شود، و با این حال کسی اعتراض نمی‌کند.

**وأما مسألة الزيادة أو النقص في القرآن فهي ثابتة عندكم، ومن ما صح عندكم من الروايات:**

اما زیادت یا نقصان در قرآن کریم، موضوعی است که برای شما ثابت شده است. از جمله روایاتی صحیحی که شما دارید:

۱- عن بجالة التميمي، قال: (وجد عمر بن الخطاب رضي الله عنه مصحفاً في حجر غلام له، فيه: النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم، وهو أب لهم، وأزواجه أمهاتهم، فقال: احكها يا غلام، فقال: والله لا أحكها، وهي في مصحف أبي بن كعب، فانطلق عمر إلى أبي بن كعب قال: شغلني القرآن وشغلك الصفق في الأسواق إذ يعرض رحاك عليّ عنقك بباب ابن العجماء). وهذا الحديث صححه البوصيري في اتحاف الخيرة المهرة

بزوائد المسانيد العشرة: ج ٦ ص ٢٥٤، وقال عنه: (إسناده صحيح على شرط البخاري)، وصححه أيضاً ابن حجر العسقلاني في المطالب العالية: ج ٤ ص ١٤٣، وقال عنه: (إسناده صحيح على شرط البخاري).

١- بحاله‌ی تمیمی می‌گوید: «عمر بن الخطاب قرآنی در آغوش غلامش یافت که در آن آمده‌بود: پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و او پدر آنها است، و زناش مادران مؤمنان هستند. عمر به او گفت: ای غلام آن را (از مصحف) حذف کن. گفت: به خدا سوگند حذفش نمی‌کنم، و این در مصحف ابی بن کعب است. عمر به سراغ ابی بن کعب رفت و (او به عمر) گفت: مرا قرآن مشغول داشته و تو را معامله در بازار!». البوصیری در اتحاف الخیره المهره بزوائد المسانيد العشرة ج ٦ ص ٢٥٤ این حدیث را صحیح شمرده و درباره‌ی آن گفته‌است: «سند روایت به شرط بخاری صحیح است». ابن حجر عسقلانی هم در المطالب العالیه ج ٤ ص ١٤٣ آن را صحیح شمرده و درباره‌اش چنین گفته‌است: «سند روایت به شرط بخاری صحیح است».

٢- وأخرج البخاري في صحيحه عن عمر بن الخطاب أنه قال: (...)  
فكان مما أنزل الله آية الرجم، فقرأناها وعقلناها ووعيناها، رجم رسول  
الله صلى الله عليه وسلم ورجمنا بعده، فأخشي أن طال بالناس زمان أن  
يقول قائل: والله ما نجد آية الرجم في كتاب الله، فيضلوا بترك فريضة  
أنزلها الله، والرجم في كتاب الله حق على من زنى إذا أحصن من الرجال  
والنساء إذا قامت البينة، أو كان الحبل أو الاعتراف، ثم إننا كنا نقرأ فيما  
نقرأ من كتاب الله: أن لا ترغبوا عن آبائكم، فإنه كفر بكم أن ترغبوا عن  
آبائكم، أو إن كفراً بكم أن ترغبوا عن آبائكم (...).

٢- بخاری در صحیحش از عمر بن الخطاب نقل می‌کند که گفت: «... یکی از آیاتی که خداوند نازل کرده، آیه رجم است. ما آن را خواندیم و درک کردیم و پای‌بند به آن شدیم. رسول خدا(ص) رجم را جاری کرد و ما نیز پس از او آن را عمل کردیم و رجم

کردیم، و ترس آن را دارم که اگر زمان به درازا بکشد، کسی بگوید: به خدا سوگند ما آیه‌ی رجم را در کتاب خدا نیافته‌ایم، و با ترک واجبی که خدا نازل کرده‌است، گمراه شوند. رجم در کتاب خدا حق است، بر هر زن یا مردی که زنا کند و محصن باشد؛ البته با قیام بینه یا حامله‌شدن یا اعتراف زناکننده. یکی از آیاتی که در قرآن می‌خواندیم این آیه‌بود: (مبادا از پدران خود روی بگردانید، زیرا این کفر است که از پدران خود روی بگردانید....)».

۳- وأخرج مسلم في صحيحه: (بعث أبو موسى الأشعري إلى قراء أهل البصرة، فدخل عليه ثلاثمائة رجل قد قرءوا القرآن، فقال: أنتم خيار أهل البصرة وقراؤهم، فاتلوه، ولا يطولن عليكم الأمد فتقسو قلوبكم، كما قست قلوب من كان قبلكم، وإنا كنا نقرأ سورة كنا نشبهها في الطول والشدة ببراءة فأنسيتها، غير أني قد حفظت منها: لو كان لابن آدم واديان من مال لابتغى وادياً ثالثاً، ولا يملأ جوف ابن آدم إلا التراب. كنا نقرأ سورة كنا نشبهها بإحدى المسبحات فأنسيتها، غير أني حفظت منها: يا أيها الذين آمنوا لم تقولون مالا تفعلون فتكتب شهادة في أعناقكم فتسألون عنها يوم القيامة).

۳- مسلم در صحیحش می‌گوید: «ابوموسی اشعری قاریان بصره را که حدود سیصد مرد بودند گرد آورد و به آنان گفت: شما برگزیدگان و قاریان اهل بصره هستید. قرآن را تلاوت کنید. مبادا زمان بر شما به درازا کشد و قلب‌هایتان را قساوت گیرد، همان‌طور که قلب‌های کسانی که پیش از شما بودند را قساوت گرفت. ما همواره سوره‌ای را که در طولانی‌بودن و شدت داشتن به سوره‌ی براءت شبیه می‌دانستیم قرائت می‌کردیم ولی شما آن را به فراموشی سپردید، و تنها از آن سوره این آیه را به یاد داریم: (اگر آدمی را دو دشت پر از مال بود، در پی دشت سوم می‌رفت؛ و درون آدمی را تنها خاک پرمی‌کند). ما سوره‌ای را قرائت می‌کردیم که آن را شبیه یکی از مسبحات

می دانستیم و شما آن را فراموش کرده‌اید، و تنها از آن سوره این آیه را به خاطر دارم: (ای ایمان آورندگان! چرا آنچه را که به کار نمی‌بندید بر زبان می‌آورید تا بر گردن‌تان گواهی نوشته شود و به روز قیامت درباره‌ی آن مورد بازخواست قرار گیرید).

۴- وعن المسور بن مخرمة: (قال عمر لعبد الرحمن بن عوف: أما علمت أنا كنا نقرأ: "جاهدوا في الله حق جهاده في آخر الزمان كما جاهدتم في أوله"، قال: فقال عبد الرحمن: ومتى ذلك يا أمير المؤمنين؟ قال: إذا كان بنو أمية الأمراء وبنو المغيرة الوزراء) ([241]).

۴- از مسور بن مخرمه: «عمر به عبدالرحمان بن عوف گفت: آیا ندانسته‌ای ما این گونه قرائت می‌کردیم: (در راه خداوند جهاد کنید آن گونه که در آخر الزمان حق جهادش است همان گونه که در ابتدا جهاد کردید).. عبدالرحمان گفت: ای امیرالمؤمنین، این آخر الزمان چه زمانی است؟ عمر گفت: هنگامی که بنی امیه، حاکمان و بنی مغیره، وزیران باشند» ([242]).

۵- عن المسور بن مخرمة ، قال: قال عمر لعبد الرحمن بن عوف: (ألم نجد فيما أنزل علينا: أن جاهدوا كما جاهدتم أول مرة؟ فإننا لم نجدها، قال: أسقط فيما أسقط من القرآن) ([243]).

۵- از مسور بن مخرمه که گفت: عمر به عبدالرحمان بن عوف گفت: «آیا قبلاً آیه‌ای به این صورت نبود: «ان جاهدوا كما جاهدتم اول مره»؟ ما که آن را پیدا نکردیم. عبدالرحمان گفت: جزو آیاتی است که از قرآن حذف شده است» ([244]).

فمن يا ترى أسقط هذه الآيات؟ الله أم الرسول (ص) أم غيرهما؟! وهذه مصادركم وصحاكم لا مصادرنا.

به نظر شما چه کسی این آیات را حذف کرده است؟ خدا یا پیامبر (ص) یا کسانی غیر از این دو؟! و اینها منابع و صحاح شما است، نه منابع ما!

**أما بالنسبة إلى السب والشتم فنحن لا نقبل به ولا نرضاه، ولكن نبين الحق وأهل الحق بالدليل الشرعي الأخلاقي.**  
**وفك الله لكل خير.**

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مکن الله له فی الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي - محرم  
الحرام / ١٤٣٢ هـ

در خصوص سب و دشنام نیز ما این کار را نه می پذیریم و نه با آن موافقیم، اما حق و اهل حق را با دلیل شرعی اخلاقی بیان می داریم و روشن می سازیم.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شيخ ناظم العقيلي - محرم  
الحرام / ١٤٣٢ هـ ق



[239] - مسند أحمد: ج 5 ص 182.

[240] - مسند احمد: ج 5 ص 182.

[241] - أخرجه ابن كثير في مسند الفاروق: ج 2 ص 596، وقال عنه: (هذا إسناد صحيح).

[242] - ابن كثير در مسند فاروق: ج 2 ص 596 و در باره اش گفته است: سندش صحیح است.

[243] - كنز العمال: ج 2 ص 567 ح 4741، ومشكل الآثار - للطحاوي: ج 12 ص 9، وعلق عليه شعيب الارنؤوط قائلاً:

(رجاله ثقات رجال الشيخين).

[244] - كنز العمال: ج 2 ص 567 ح 4741؛ مشکل الآثار طحاوی: ج 12 ص 9 و شعيب الارنؤوط چنین به آن تعلیق

زده است: رجال آن ثقه رجال شیخین است.